

1-1-1970

Kārawān, v. 003, no. 001 - 142, 125

Abdul Haq Waleh

Ṣābahuddiṅ Kushkakī

Follow this and additional works at: <https://digitalcommons.unomaha.edu/karawan>

 Part of the [Asian History Commons](#)

Recommended Citation

Waleh, Abdul Haq and Kushkakī, Ṣābahuddiṅ, "Kārawān, v. 003, no. 001 - 142, 125" (1970). *Kārawān*. 989.
<https://digitalcommons.unomaha.edu/karawan/989>

This Book is brought to you for free and open access by the Digitized Newspaper Archives at DigitalCommons@UNO. It has been accepted for inclusion in Kārawān by an authorized administrator of DigitalCommons@UNO. For more information, please contact unodigitalcommons@unomaha.edu.



از منابع آلمانی :

برتری انسانها بر حیوانات
سر اژین شما ره يك سلسله
مطالعات را كه بپردازد جامعه ما بیشتر
میخورد، يکروز درمیان به خوانندگان
کاروان تقدیم میکنیم و امیدواریم با
تعقیب آن چیزهای با ارزش را
بیاموزند.

حیات ما را از همه اطراف و
جوانب احاطه کرده. حینیکه به عالم
نظر می اندازیم می بینیم از یکطرف
مواد غیر عضوی و طبیعی موجود
است که تحت قوانین واحد فزیک و
کیمیاوی اداره میشوند و از طرف
دیگر میلیونها اجسام حیهی وجود دارند
که در بین آنها در کره زمین انسان
بهترین همه مخلوقات می باشد.

حیات بقسم تمامیل ظهور کرده و با
شعور توأم شده است. تمامیل موجودات
حیهی را مجبور مینماید در وقایع جنس
خود بکوشند و نگذارند موجودیت
شان از بین برود. شعور و سایر
آنها برای آنها نشان میدهد. مثلا
سمازی و نباتات دیگر جنسیت خود را
زنده نگاه میدارند. پرندگان بواسطه
شعور برای خود آشیانه میسازند.
باهم جفت شده تخم گذاشته و چون
بیدا میکنند. درین تمامیل طبیعی
خوشی و غم منبع مشترک کار و عمل
می باشد.

بعضی حیوانات يك قسم شعور
قوی دارند که از آن خواص جدیدی
باطنی شان معلوم میشود. این
حیوانات با انسانها همراه بوده از اجلی
روحي ما استفاده مینماید و خیلی
نظیف تر میشوند. مثلا مگس حینیکه
تأیلات خود را نشان میدهد
پریشانی و خوشی خود را بر سر
انسانها حالی میسازد.
انسان حیوان با عقل و شعور است
حقیقتا انسان يك شکل جدید و عالی
حیات را مجسم میسازد.

عقل به انسان موقع میدهد درین
تأیلات خود فرق گذاشته بعضی
از آنها را که بهتر باشد انکشاف
داده و تأیلات دیگر را محدود سازد
از اینجا فرق بین انسان و حیوان پیدای
می آید چه انسان بواسطه عقل بر
تمام تأیلات و خواسته ها خود را
تسلیم نمی کند و اعمال خود را به
اقسام دیگر قضاوت و کنترل میکند
ازین سبب است که انسانها خوشی
خود را به خوشی دیگران مربوط
میدانند چه از جهت و حشمت بصورت
يك حیوان اجتماعی در آمده و به
سبب عقل و دلیل میتواند خود را در
راه يك نصبالعین قدا کند.

بواسطه عقل میتوان نیم کاینات را
شناسیم و بالای عالم حکمرانی کنیم
عقل انسان را بطرف کشفیات سوق
میدهد و ما را به هر کدام آنها که
اهمیت زیادی دارند رهنموی میکند
بواسطه عقل انسان توانسته است
برخلاف همه حیوانات آتش را کشف کند.

علا و تا انسان بواسطه عقل
توانسته است لسان تکلم را کشف
کند و آنرا چنان توسعه دهد که از آن
نه تنها برای فهماندن مقاصد خود
دیگران استفاده نماید بلکه يك اسلحه
بزرگ و قوی برای هر گونه ترقیات
بدست آورد.

ترقیات، دلیل و عقل بصورت
تدریجی انکشاف کرده برای ادراک
آن باید به موزیمهای انسان شناسی
حیوان شناسی مراجعه نمود و جمیع
انسانها را از نظر گذرانید، و در آن
از انسان شناسان سؤال کرد و از
شود که فکر انسان بصورت تدریجی
چقدر پیشرفت نموده است.



کاروان

خانم هر چه داشتیم گرفت. اگر پوست مرا سکه میزنی حاضریم!

بقلم محمد حسن کریمی

از کدام راه ها میتوان بودجه مملکت را تقویه کرد؟

سنگین و پیشرفت الکتریک و نیک
و موجودیت و وسایط نو و بزرگ
عاید بودجه کشورهای منکشف تغییر
کرد. ولی طوریکه مشخصات امروزی
کشور مامشاهده میشود، شرایط
کنونی مایشتر متکی بر زراعت است
و بهمین ملحوظ کشور ما را مملکت
زراعتی مینامند.
باین مقدمه مختصر خوانندگان
عزیز مستشعر خواهند بود و با صفتیکه
افغانستان در مسیر يك تحول
اجتماعی و اقتصادی روان است و با
وصف آنکه روز بروز دامنه انکشافات
وسیعتر میشود ولی باز هم میتوان
وضع زراعتی کشور را با اوضاع
زراعتی کشورهای متذکره در قرن
۱۸ تشبیه کرد. باین مقایسه
بر ماست تا با تمام قوا به تقویه امور
زراعت مصروف شویم. این آمل
هر گز برآورده نخواهد شد تا زمانیکه
بودجه قوی نداشته باشیم. زیرا
انکشاف امور کشور منحصر
بانکشاف بودجه است.

در پرتو این غایه امکاناتی سراغ
میشود تا عجلالتا بودجه افغانستان
از رهگذر مالیات صعودی زمین
درجهت رشد و تکامل بکار انداخته
شود. شکی نخواهد بود با این
ابتکار نتایج ثمر بخش این مساعی
در مراحل بعدی ظهور خواهد پیوست
و قهرمانان این میدان در تاریخ مالی
کشور نام نیکی بیادگار خواهد
گذاشت.

بوجود آوردن بودجه نیرومند
حیات آبرومند مردم ما فراهم خواهد
ساخت لهذا طرق نیل باین هدف
خواهان جسارت و توسیل با اقدامات
است. باین جنبش باسناد مقوله
معروف که مشکلی نیست که آسان
نشود با تطبیق مالیات متصاعد
زمین عدالت اجتماعی نیز تأمین میگردد
روی این منظور رهنمایی و همکاری
وزارت مالیه با وزارت زراعت و آبیاری
بمنظور ایجاد و ترتیب طبقه بندی زمین
ها نهایت مفید ثابت شدنی است.

وزارت داخله همچنان عامل مهم
همکاری محسوب میشود. والی های
لایق و با دیرد میتوانند درین امر
مهم به نفع ملی حصه بگیرند. با
چقدر پیشرفت نموده است.

و هم افزایش محصولات مواد صنعتی
مانند بنه، تنباکو و غیره در امریکا
وضع جدید مالیات را در آن سرزمین
بوجود آورد. تقویه امور مالی عامل
تقویه امور اقتصادی شد و بالعکس
تقویه اقتصادیات سرزمین نو رشد
را به پیشرفت های مالی تأیل ساخت.
در طول قرن ۱۷ قیمت زمین و
ارزش آن بازم بلند تر رفت و امور
زراعت کشورهای جهان طوریکه
رونی گرفت که قرن ۱۷ را قرن
زراعت نامیدند. مفهوم این انکشاف
تقویه امور مالی بود. حکومت های
قرن ۱۷ امریکا وارو با وضع
مالیات جدید اراضی به تقویه امور
دفاعی خود پرداختند. در قرن ۱۸
باز هم مالیه زمین یکی از عاید بزرگ
بودجه های کشور هایشمار میرفت.
تجارت کشورهای هادرین قرن هنوز
متکی به پیداوار زراعتی بود و زمین
هسته مالی را تشکیل میداد.
وضع تجارت امروزی ما با اوضاع
قرن ۱۸ کشورهای متقدم شباهت
دارد زیرا قسمت اعظم تجارت ما را
امروز پیداوار زراعتی تشکیل میدهد.
ولی مالیه زمین تاکنون در افغانستان
بسیار ناچیز است و بهمان نظام
قدیمی باقی مانده است که با اوضاع
آزماں اروپا مغایرت کامل دارد.

عوائد امپراطوری عظیم فرانس را
که ناپلیون کبیر در اواسط قرن ۱۹ همین
مالیه زمین و محصولات تجارتی تشکیل
میداد. رویهمرفته بودجه آلمان
فرانسه متکی بر مالیه زمین بود.
بودجه سنگین سیاه ناپلیون سالها
از همین مدرک بوسیله ملاکان بزرگ
تأمین میشد. بعد تر در کشورهای
اروپا و امریکا سلسله انتقال با
قرن ۱۶ قیمت زمین بلند تر رفت

دائمیاز خاوند : صباح الدین کشنگی
مسؤل مدیر : عبدالحق واکه
بی دتعطیل له ورخو هره و رخ خبری
کالتی اشتراک : به کابل کنبی ۳۰۰ - افغانی
به ولا یا تو کنبی ۳۵۰ - افغانی
به خا و ج کنبی : آسیا ۲۵۰ دالر ، اروپا ۳۰۰ و امریکا ۳۵۰ دالر
دپوی کنبی به ۲۰ - افغانی
پته نوی ینار، اشرف هوئل ته مخامخ
مسؤل مدیر دتلفون نمبر ۲۵۰۷۴ نامه نگاران اواداری ۲۳۳۷۸



برف اخیر مژده بزرگی است

به کوری چشم محترمان در پایان هفته گذشته يك برف دیگر با رید
و به مردم این کشور مژده داد که سال ۱۹۵۰ سال فراوانی آب و وفور غله
خواهد بود.

در کشور هائیکه شعور اجتماعی و سیاسی عا م مردم بیدار نشده و
اقتصاد ملی دستخوش ناپسانه مالی است اعمالی از قبیل احتکار و بازار سیاه
زیاد دیده میشود.

اگر چه احتکار در دوره های گذشته نیز در افغانستان معمول بوده و در
ایام گرانی غله در اثر قلت برف و باران یا امراض نباتی یکباره استفاده
جو به ضرر عامه مردم جیب های خود را پر کرده اند اما احتکار به حیث
يك پیشه پر درآمد دایمی مانند اخلاق از آغاز جنگ عمومی دوم درین
کشور بازار گرمی پیدا کرده و یکباره اشخاص را بسوی خود جلب نموده
است.

در روزهای این جنگ خانها سوزان و بظرف درهند افراد زیادی داخل
خدمت زیر پرچم گردیده و در مقابل جاپان آمادگی میگردند و برای آنها
انواع مواد خوراکی لازم بود و از جانب دیگر در اواسط جنگ قوای
متحدین در ایران به مواد خوراکی زیادی حتیاج داشتند و چون سرحدات

مکتوب وارده

**پول خزینه تقاعد با کمال
احتیاط بکار انداخته شده**

شغلی مدیر :

در صفحه دوم شماره ۸۵ تاریخی
۱۶ جدی روزنامه کاروان تحت
عنوان «چرا متقاعدین اندیشه دارند؟»
مضمونی به قلم غم فکرت نشر
شد که در آن وی بعد از نقد بر
اصولنامه خزینه تقاعد در اطراف
خزینه مذکور توضیحاتی داده و
و انمود کرده بود که مبلغ هنگفتی
ازین ناحیه براه های نادرستی بکار
افتاده است.

گرچه بهتر بود وی قبل از نشر
مقاله باریاست تقاعد تماس میگرفت
تا به رفع اشتباه او پرداخته می شد.
با آنهم با نظر داشت روحیه آزادی
انتقاد لازم میدانیم در مورد تا
چایککه موضوع بریاست تقاعد
ارتباط دارد. روشنی اندازیم.

۱- وی بعد از آنکه اقلام دارایی
خزینه تقاعد را توضیح داده و مبلغ
یکصد میلیون افغانی را جمع می کند
متکی به ماده هفت اصولنامه
تقاعد که سرمایه خزینه تقاعد بدین
معاملات تقاعد به هیچ عنوان دیگر
صرف شده نمی تواند میگوید اگر
مبلغ مذکور باشش فیصد مفاد بکار
می افتاد اکنون مبلغ ۲۲۸۳۳۰۵۷۰
افغانی از آن بدست می آمد و نتیجه
می گیرد که در حدود یکصد و بیست
ملیون افغانی سرمایه متقاعدین
در شرکت ها و بانک ها و تنهایی
مفاد مانده بلکه بدست آوردن اصل
پول نیز مستحیل و دشوار است.

اگر در ماده ۷ دقت بعمل آید
در آن راجع به صرف نشدن سرمایه
مذکور بجز از معاش متقاعدین در
راه های دیگر جدا توصیه بعمل آمده
که به هیچ صورت معنی بکار نیفتادن
سرمایه مذکور در راه های انتفاعی
افاده نمی کند.

۲- زیادت نقد هیچگاه خود
سرانه در بانک ها و موسسات و
تصدی ها سهم نگرفته و بابه آنها
پول نیز داخه است بلکه سهم گیری
در موسسات و بانکها و غیره تمام
باساس فرامین و احکام مقامات صالحه
با کمال امانت داری و احتیاط بادر
نظر گرفتن مفاد آینده خزینه انجام
شده و اطمینان میدهم که در این
معاملات نه تحصیل اصل پول و نه
(بقیه در صفحه ۳)

غربی و شرقی مامثل همیشه بر وی
قاچاقچیان بازبود. مقدار زیادی
غله، روغن، میوه خشک و تعداد زیادی
گوسفند از کشور خارج میگردد.

این وضع باعث شد در داخل روغن
و آرد مخصوصا روغن قلت گذا رد
و بازار محترمان راگر مسازد چنانچه
اگر درهما نسالها يك يك مقدار آرد
گندم از امریکا طور کم کم نهر سید،
امکان داشت مردم یکباره از مناطقی
دور دست ما از گرسنگی بفرارند.
ما برای جلوگیری از احتکار
اصولنامه ای داریم که انفاذ مواد
آن بپوش والیها می باشد تا از طریق
کمیسیون ارزاقی هر ولایت جنس
مورد احتکار را جبراً به نرخ روز
بالای محتاجان بفروش برسانند.

این اصولنامه مثل اصولنامه
تفتیش محبس از طرف بعضی والیها
عملی میگردد و یکباره شاید بنا بر
کثرت مشاغل آنها فراموش
میکنند.

اگر اصولنامه تفتیش محابس در
سر تاسر کشور عملی گردد و هر ولای
هفته یکبار از حال و احوال زندانیان
خود را خبر بسازد، یقینا صد رت
یا وزارت داخله مجبور نخواهد شد
هیاتی را برای این کار به ولایات
بفرستد و ازین باب يك مقدار
مصارف را متحمل شود.

يك وقت در بدخشان مردم بنا بر
قلت غله شاغل میخوردند و شاغل
چیزی است که گاو آنها به بسیار
کراهت میل مینماید. در همین وقت
یکباره محترمان گندم های خود را در جاه
ها ذخیره کرده بودند و انتظار
داشتند قیمت ها هنوز هم بالا
برود.

البته در آن وقت اصولنامه ضد
احتکار موجود نبود اما باز کردن این
جاهها و فروختن غله به مردم به یول
نقد و مطابق نرخ روز اقدامی بود
که هم عقل سلیم آنها را حکم میکرد و هم
عدالت اجتماعی ولی اشکارا برای
کسی که در راس امور این منطقه
قرار داشت مغرر تمام میشد زیرا
امکان داشت محترمان از دست او به
مقامات بالاتر شکایت کنند و او
مورد بازخواست قرار گیرد.

اما امروز محترمان و امثال آن نزد جامعه
سیاه است و مقامات ایشان را به
نظر بد می نگرند.
مهمتر از همه، هر دانه برفی که
درین روزها بر زمین می افتد گویا
گلوله ایست که بر شقیقه آنها
می خورد.

مکتوب وارده

آشک و کباب خوراک لذیذ و باستانی افغانستان

رستوران مارکوپولو ماهانه بیش از پنج هزار مشتری خود را با غذاهای عالی صحنی و سرویس خوب پذیرائی میکند. شما نیز یکبار امتحان کنید از موزیک تازه و جذاب اروپائی، آشک و کباب افغانی لذت ببرید.

رستوران مارکوپولو مقابل پارک ظاهرشاهی شهر نو در خدمت شماست.

خیبر رستوران در خدمت شما



خیبر رستوران برای ارضای خاطر مهمانان و مشتریان محترم خود عالیترین غذاها را به اسلوب افغانی و بین المللی تهیه می‌دارد.

انواع کیک‌های عروسی، سالگره‌ها و دیگر محافل با سلیقه عالی ساخته می‌شود. یکبار مراجعه به خیبر رستوران شمارا مشتری دایمی آن خواهد ساخت. از همین جهت می‌گوئیم به خیبر رستوران غذا بخورید.

نقاش ننداری مسئله می‌پذیرد

دنقاش هنری موسسه که تا زده فعالیت آغاز نموده به مسئله با سواد ضرورت دارد. علاقمندان به مدیریت نقاش ننداری مراجعه نمایند.

آدرس: نقاش ننداری، چهار راه انصاری، شهر نو.

تلفون: ۳۳۳۳۸

علاقه‌مندان بشتابند

یک اندازه تیر و تیوپ مستعمل و داغمه‌سر از ۱۶ خوت در کار خانجات جنگلک بطور لیلام فروخته می‌شود. علاقه‌مندان از موقع استفاده نمایند.

تذکره می‌م که سیمای بریکوت اصلا از جانب ریاست تقاعد خریداری نشده، بلکه سیمای مذکور عوض با قید آری مالکش از جانب مدیریت عمومی تصدیهای وزارت مالیه استملاک شده بود و چون مدیریت عمومی تصدیهای فعالیت انتفاعی ندارد سیمای مذکور عوض کمک دولت می‌گیرد بر ریاست تقاعد تقو می‌گیرد بر ریاست تقاعد نه تنها از پول متقاعدین در این راه مصرف نشده است بلکه اگر در آیند سیمای مذکور فعال گردد عاید بزرگی برای خزینة تقاعد خواهد داد. بناغلی فکرت در ختم کلام بفروش ابار تمانهای ریاست تقاعد درجاده می‌نمود اشاره نموده و تذکره داد که آنها روی هر علتی که تعبیر می‌کند بفروش رسا نیده شده اند. ما نمی‌خواهیم تفسیر عبارته

(بقیه صفحه ۲)

از کدام راه‌ها میتوان بودجه مملکت را تقویه کرد

تطبیق طریقه‌های معقول مشکلی تراشی‌های زمینداران و ملاکین از بین خواهد رفت. اگر ما بتوانیم باروجیه جدید بمنظور فلاح و سعادت خود و کشور خود قدم برداریم بحل این مشکل موفق خواهیم شد. و باین روش منابع مالی کشور بزودی تقویه خواهد شد. موضوع تثبیت طبقه بندی زمین هادر مرحله اول بسلسله هم آهنگی کارکنان و منسوبین وزارت های متذکره صورت پذیر است. طوریکه از احصائیه‌ها بر می‌آید. افغانستان سالانه از ۲۵ میلیون جریب زمین زراعتی و باغ کار می‌کند. محصولات سالانه یک جریب زمین راطور تخمین در افغانستان قرار ذیل وانمود کرده‌اند:

از سبزی کاری چهار هزار افغانی از پنبه سه هزار افغانی، از لبلبو دوهزار افغانی از برنج یک هزار و ششصد افغانی، از گندم یک هزار و دوصد افغانی از جو و جواری ششصد افغانی و از زمین‌های باغی از قبیل تاک و درختان میوه بیشتر بدست می‌آید. با این محاسبه تخمیناً اگر حد او سط محصول فی جریب را یک هزار افغانی بشماریم و عشر ما لیه را یکصد افغانی فی جریب در نظر بگیریم دولت از هر هکتار ما لیه زمین دو نیم ملیارد افغانی بدست خواهد آورد.

میتروسم خوانندگان این حساب را راباد انتقاد بگیرند. اما یقیناً کامل است که این اصل تنها بایک اقدام جسورانه عملی میشود بک تعداد و کلا که طبقه ملاک را تشکیل میدهند بساتین طبقه بندی زمین مخالفت نمیکند. زیرا همه میدانند که ایشان در مقابل ملیونها نفوس نادار و بیچاره این مملکت که حیات عسرت باری بر سر می‌برند، در اقلیت قرار دارند. واقعا جای تاسف است که کاروان مالی مادر قسمت مالیه زمین هنوز هم بانظام کهنه در حرکت است. این حرکت بطی بالاخته ۲ یا ۳ افغانی مالیه از فی جریب زمین نمیتواند عدالت اجتماعی را تامین کند. ضرر دولت ازین رهگذر ضرر ملی است. بنابر این احدی را مجال آن نیست دروازه ضرر ملی قلم بردارد. ما از کاروان تمدن عصر عقب مانده ایم و حتی همسایگان هم از ما جلو رفته

آن انگشت انتقاد گذاشته عبارت از مسدود شدن سیمای پامیر است که تقریباً هدف اصلی منقد محترم زادر تحریر مقاله احتوا می‌کند. در این مورد نویسنده ریاست تقاعد را ملامت قرار داده توضیح می‌کند که بدون در نظر گرفتن منافع خزینة تقاعد سیمای پامیر از سال ۴۵ بدین طرف بی انصافانه مسدود گردیده و بیکانه (!) منبع عایداتی بنام اینکه در شرف سقوط است از کار بازداشته شده است و نتیجه می‌گیرد که ازین رهگذر مبلغ چهارده میلیون افغانی بر ریاست تقاعد خسار رسیده است.

در جواب متذکر می‌شویم که اگر نویسنده اندکی در مورد تامل می‌کرد شاید به چنین حمله جدی ریاست تقاعد نمی پرداخت با آنهم برای اقتناع خاطر او توضیح میکنیم که دولت همواره مصالح علیای مملکت را در نظر داشته و از هر گونه منفعتی که خطر جانی و مالی افراجامعه را باز آورد صرف نظر میکند. با در نظر گرفتن این اصل گرچه سیمای پامیر در سال ۴۵ به ۳۲۷۶۶۷- افغانی ماهوار به اجازه داده شد اما بعد به اساس نظر فنی وزارت اطلاعات و کلتور و وزارت مایه مجبور شد در مورد تجدید ماشین و ترمیم سیمای چگونگی را به مجلس عالی و وزارت پیشنهاد کند.

مجلس عالی و وزارت عیانی را مرکب از مهندسین و وزیده تعیین نمود تا تعمیر و ماشین سیمای را به غور ملاحظه نموده نظریات قاطعی در مورد به مجلس تقدیم کند.

چون در نظر مهندسین که در وزارت به مجلس عالی و وزارت تقدیم شد علاوه بر خرابی دهلیزها، تشنابها پرده و ارتفاع سقف سیمای مذکور از نگاه شرایط دیزاین نیز غیر قابل اطمینان خوانده شد و توصیه بعمل آمده که بهتر است این عمارت برای اجتماع نفر زیاد اجازه داده نشود لهدا مجلس متکی به نظریات فوق چنین تصویب کرد:

۱- عمارت سیمای پامیر برای منظور دیگری بکار انداخته شود. ۲- از جمله مواد پنجگانه متذکره و رافه عرض ماده اول مبلغ تضمین نقدی با تکتان به معیار دافغانستان باتک و ماده دوم محصول صکوک با تکتان به معیار دافغانستان باتک ماده چهارم قیمت ماشین های سیمای مطابق ازایه اسناد مثبت و کنترول قیمت ماشین توسط هیات به اجازه داران پرداخته شود.

۳- مصارف ترمیم سیمای از آن جمله رنگبالی و ترمیم مطابق لایحه فواید عامه به اجازه دار پرداخته شود. با ملاحظه این تصویب با یسن قناعت می‌رسیم که سیمای پامیر از لحاظ منفعت عامه لازم بود مسدود شود و در مورد اجازه داران نیز فیصله عادلانه صورت گرفته بود که اگر حاضر به فیصله حسابات خود می‌شدند سیمای تا امروز مسدود نمی ماند و به تخریب و اعمار آن مطابق شرایط مهندسی اقدام میشد این بود فشرده تمام جریان سیمای پامیر که برای رفع اشتباهات معلوم داده شد.

بناغلی فکرت به خریداری سیمای نیمکاره بریکوت اشاره نموده و انمود کرده است که گویا مبلغ هنگفتی ازین رهگذر به خزینة تقاعد خساره رسیده است.

باید برای روشن شدن این موضوع

مقدار آن مستحیل می‌نماید. ۳- ارقامی را که بناغلی فکرت روی هم چیده و مبلغ یکصد میلیون افغانی جمع نموده و با شش فیصد تکت پولی یکصد و بیست میلیون افغانی شمار کرده است میرساند که در آن بین قرضه با مقدار سهامی که ریاست تقاعد در موسسات و شرکت ها اخذ نموده تقریباً عمل نیامده است که ما برای روشن شدن موضوع آن را به تفصیل توضیح می‌کنیم.

بیست میلیون افغانی پولیکه به بانک زهتی و تعمیراتی پرداخته شده قرضه با مقدار نبوده بلکه عوض سهم تقاعد در آن موسسه تا دیه شده است.

یکصد و بیست میلیون افغانی در افغان بیمه سهم تقاعد است نه قرضه با مقدار.

ده میلیون افغانی در بست سهامی شرکت نیز سهمیست که در آن شرکت خریداری شده.

برای میلمه پال هونل نیز ریاست تقاعد قرضه نداده است بلکه مبلغ سی میلیون افغانی در آنجا سهم گرفته است.

در شرکت نساجی افغان ریاست تقاعد با اساس دوا طلبی اسهام ۹۹۵۳۰۰- افغانی را به مبلغ ۸۸۶۶۰۰- افغانی خریداری نموده است. بالاخره مبلغ پرداخته شده به نساجی بگرامی نیز سهم تقاعد است در آن موسسه نه قرضه با مقدار تنها برای کار خانجات جنگلک ریاست تقاعد بیست و پنج میلیون افغانی با شش فیصد تکت پولی پرداخته است که از آنجمله تا امروز صرف ۷۷۴۷۷۰۸۳۳۰۷- ۱ افغانی بالای آن بعد از وضع مفاد و تکت پولی و جریبه و غیره باقی مانده که نه تحصیل اصل پول مشکلاتی دارد و نه مقدار و جریبه آن مستحیل می‌نماید.

در مورد قرضه ریاست تقاعد بالای بلدیة اطمینان میدهم که تمام قرضه مذکور مبلغ ۵۰۸۰۷۷۴۷۰۸- افغانی می‌شود که نظر به تصویب مجلس عالی و وزراء به بنابر والی پرداخته شده است و این قرضه نیز بامقاد آن از فروش زمین ابارتمان های جدید الاحداث کوچه سنگچه‌ها دو باره بدست می‌آید.

از فشرده جواب فوق واضح می‌شود که نخست سهم گیری ریاست تقاعد در شرکت ها و موسسات خود مسترا نه صورت نگرفته بلکه به موجب احکام و فرامین مقامات صالحه انجام یافته است. دوم پرداخت های ریاست تقاعد به موسسات و تصدی ها تا ما قرضه نبوده بلکه اکثر اسامی است که در موسسات و تصدی های معتبر و طرف اعتماد دولت خرید شده است و واضح است که سهم گرفتن در موسسات اگر اکثر مقدار بیش از شش فیصد باز می‌آورند بعضاً موجب خسارتی هم می‌شوند که غیر مترقبه میباشد چنانچه سقوط طیاره بوئینگ آریانا رامی توان بحیث مثال زنده خساره شرکت افغان بیمه یاد آوری نمود. امید واریم با این تذکر خوانندگان محترم و بناغلی فکرت اطمینان حاصل نموده باشند که ریاست تقاعد در بکار انداختن سرمایه متقاعدین از کمال امانت داری کار گرفته است.

نقطه دومی را که بناغلی فکرت بر

خلص سوانح مرحوم میاجان
مجددی که اخیراً وفات نموده
حضرت میا معصوم مجد دی
مشهور به میا جان قافر زنده حضرت
شمس المشایخ در سال ۱۳۲۳
هجری قمری در شور با زار کا بل
تولد یافته علوم معقول و منقول را
در مد و سه خا نقا ه شور با زار
آموخت .

در تصوف به طریقه نقشبندیه
پابندی داشت و در اشعار مرید
میرزا عبدالقا در بیدل بود.
وی در جبهه جنوبی اشتراک داشت و در
ایام نجات و طن با عموی خود
حضرت نور المشایخ مصدر خدمات
قابل قدری گردید.
در سال ۱۳۰۸ از طرف
اعلیحضرت مرحوم محمد نا در شاه
غازی بحیث رئیس اصلا حیه در
سمت جنوبی مقرر گردیده منازعه ای
را که بین اقوام وزیر و سلیمان خیل
در سر حوضه بمیان آمده بود ،
اصلاح کرد .



آخرین عکس مرحوم میاجان مجد دی
که برای پاسپورت خود گرفته بود
در سال ۱۳۰۹ بحیث مستشار
در وزارت مختاری افغانی در قاهره
مقرر گردید ولی بعد از بازگشت به
وطن دیگر بکار دولتی نبرد و خت و
حیات را وقف مطالعه در تاریخ
ادبیات و تصوف نمود.

وی هنگام جمع آوری اعانه برای
برادران مسلمان فلسطینی معاون
کمیته ملی بود.

میا جان آقا، مرد خوش صحبت
مهربان، صمیمی، با درد و وطن
پرست بود و بتاریخ اول حوت
۱۳۹۰ هجری قمری (۱۳۴۹ شمسی)
حین خواندن نماز بعصر ۶۵ ساله جان بجان
آفرین تسلیم کرد .

اینک چند بیت را از مرثیه ای که
بنیاد علی احمد صدیق حیا در باره
وفات حضرت مرحومی نوشته،
در اینجا درج میکنیم:

میا جان را همیشه در مجلس
سخن از دین و عشق انبیا بود
فصاحت داشت در نطق و تکلم
دلش آینه صدق و صفا بود
همیشه شعر بیدل بر زبانش
کلام او متین و دلربا بود
بعصر ۶۵ در خاک لا هور
وفات او مقدرا از قضا بود

اظهار امتنان

من لم یسکر الناس لم یسکر الله
خانواده مجددی و منسوبین از اعضای
فامیل سلطنتی ، اعضای حکومت،
اعضای ولسی جرگه و مشرانو جرگه
و ستره محکمه و تمام دوستان و
علاقه مندان محترم که در عزای وفات
حضرت صاحب مقهور و مرحوم میاجان
(آقای مجددی رحمة الله علیه) باما
اظهار غمخیزی و همدردی فرموده اند
ابراز امتنان می نماید و از بارگاه
آفریدگار (ج) سعادت و سلامت همرا
در تحت لوای شریعت غرای محمد (ص)
استدعا میدارد .

مطالع ده لته

حبیب را عبداللہ در نہر در سن با چاقو کشته زیر چو بہا پنهان کرد

زنی کہ در جستجوی کار بود و زیبایی بلای جان شد

چند روز قبل خبری در این روزنامه
نشر شد کہ حبیبہ توسط عبداللہ
ساکن نجرا بقتل رسید ، تفصیل
واقعه به آئینہ وعده داده شدہ بود کہ
اینک تقدیم میشود .
حبیبہ ساکن فرزند کوه دامن بسا
مادر خود در شهر کابل بسر می برد
و مدتی بود مشغولیتی نداشتند . لہذا
در جستجوی کار بودند چنانچہ یک
روز قبل از حلول عید اضحی مادر
و دختر در دھمزنک آمدہ تصمیم گرفتند
بہ یکی از مو سسات صنعتی انفرادی
مراجعه کردہ تقاضای کار نمایند ،
وقتی موضوع را بامالک یک موسسہ
در میان گذاشتند چون تقاضای شان
پذیرفته نشد ، بر گشتہ راہ منزل
را در پیش گرفتند ، در حصہ مینار
عبدالوکیل خان مردی در مقابل آنها
ایستاد و بنای گفتگو را گذاشت .
این مرد عبداللہ نام دارد و مثل اینکه
از مقصد حبیبہ و مادرش واقف بود ،
زیرا بہ مادر حبیبہ پیشنهاد نمود کہ
اگر آرزو دارد دخترش آسودہ باشد
با او بیاید چہ باوجودیکہ ہمسر
خودش نیز در منزل شخصی واقع
نہر در سن کار میکند ، اما او برای
نگہداری یکانہ طفل خود بہ یکنفر
ضرورت دارد و در بدل این کار ماہوار
دو صد افغانی معاش می پردازد .
مادر و دختر خوشحال شدہ پیشنهاد
عبداللہ را قبول نمودند و با اوجانب
منزلی کہ خانم عبداللہ در آنجا بحیث
مستخدم کار میکرد روان شد ند .
ہمینکہ دروازہ خانہ را دیدہ و نشانی
کردند ، بر گشتند و برای فردا وعده
گذاشتند . صبح روز عرفہ حبیبہ در
حالیکہ لباس نسبتاً نوتری درپس
کرده بود بہ همان خانہ نزد عبداللہ
آمد عبداللہ کہ انتظار او را در خارج
خانہ می کشید ، از دیدن حبیبہ مسرور
شدہ و او را بہ خانہ برد و بہ خانم
خود معرفی نمود .
مادر حبیبہ فیصلہ کرد کہ حبیبہ
تنہا از طرف روز طفل عبداللہ
را نگہداری کند و شب نزد وی بہ
خانہ بر گردد
دوسہ روز بعد حبیبہ بہ مادرش
گفت عبداللہ خواستہ برای دو ختن
لحافہا شبانہ باخانش کمک کند باین
ترتیب او نیز باید شب در خانہ نزد
آنها بماند . مادرش تاکید کرد کہ شب
بہ هیچ صورت اجازہ ندارد . حبیبہ
این حرف را پذیرفت و از پائیدن
شب خود داری نمود .
یک منبع پولیس ولایت کابل بہ
استناد دوسہ تحقیقات اظهار داشت
عبداللہ در مرحلہ اول قضیہ را بطوری
دیگری وانمود کردہ و گفتہ است کہ
حبیبہ و مادرش بہ عقب دروازہ خانہ
آمدہ تقاضای کار نمودند .
او حبیبہ را برای محافظت طفل
خود بہ معاش ماہوار دو صد افغانی
استخدام کرد چند روز گذشتہ بود
کہ یکی از دوستان او از تگاب بہ
کابل آمد .
وقتی حبیبہ را دید . دل باخت و
خواہش نمود بہ ہر ترتیبی کہ ممکن
باشد سرشتہ عروسی او با حبیبہ
گرفته شود . انجام یافتن این آرزو
بدون رضایت حبیبہ امکان ناپذیر بود
اما زمانیکہ موضوع با او در میان
گذاشتہ شد پیشنهاد مرد تگابی را
پذیرفت ، همان بود کہ مرا حل ایجاب
و قبول آنها انجام یافت و حبیبہ بسا
ہمسر خود بہ تگاب رفت .
در مرحلہ دوم عبداللہ از موضوع
اظهار غمخیزی کردہ و مدد و محالہ

ہمسایہ ایم و خانہ ہم را ندیدہ ایم

میشد ، ازین ہیات بعمل آورد و ہیات
ایرانی آنچنان دست برداران افغانی
خود را برمی فشرده و بیام دوستی و
الفت برداران ایرانی خود را برای آنها
بیان کردند کہ ہمہ چیز منجملہ تجارت را
تحت الشعاع قرارداد و در دقایقی کہ
از ہم جدا میشدند تنہا کاری کہ
نکردند گریہ بود . بنابراین باید پرسید
چرا این ہیات باید اولین ہیات
تجارتی ایرانی باشد کہ بہ افغانستان
رفته است و چرا تاکنون دہا ہیات
ایرانی و افغانی مبادلہ نشدہ است ؟

ایران قریب ۴۵۰ کیلو متر بسا
افغانستان سرحد مشترک دارد .
محصولات دو کشور نہ تنہا مکمل
ہم نیست بلکہ مورد احتیاج ہمدیگر
است . محصولات صنعتی ایران
میتواند نہ تنہا مصرف کنندگان
افغانی را راضی کند بلکہ بہ پرنامہ
های صنعتی و عمرانی آن کشور کمک

نماید . محصولات زراعتی آن کشور
میتواند کہ بود کشور مارا در برخی
از رشتہ ہا از قبیل روغن حیوانی ،
گوشت و امثال آن مرتفع نماید .
(بقیہ در شمارہ فردا)



مار شال جوزف پروژ تیتو اخیراً از جمہوریت عربی متحد دیلن کرد .
درین عکس مار شال تیتو (شخص دوم از طرف چپ) با رئیس
جمہوریت عربی متحد انور السادات دیدہ میشود .
خانم طرف راست خانم تیتو و خانم دیگر میرمن انورالسادات
میباشند . (عکس از ایجنشن گزت)

مژدہ بعلاقہ مندان آرت دراماتیک و ہنر موسیقی
نقاش ننداری کہ تازہ بہ فعالیت آغا ز کردہ یک دامان تباہی
کمیٹی را بنام اشک های سو زندہ اثر بنیادلی ساین ہراتی بہ دایرگتری
صمیم یا کنسرت جذابی بہ اشتراک ناہید ، ناوک ، مہ لقا ، و دیگر چہرہ
های مشہور ہنری تقدیم میدارد .
نمایش ہنر تیزم نیز شامل این پروگرام است .
محل نمایش : نقاش ننداری چہار راہی انصاری شہرنو .
وقت نمایش ساعت ۵ عصر و ۸ شب

نظری بجرایم

افغان ملت در شمارہ اخیر خود دمقلہ را تحت عنوان پنبنتو نہا چہ
میخواہد بہ قلم بیتنی صاحب پنبنتو نستان آزاد نو شتہ کہ دران
گفتہ شدہ است « قوم پنبنتو قربانی ہائی را کہ در راہ آزادی خود دادہ
است از کسی پنهان نیست اگر کسی چو بکاری یا سنگ با زان را
قبول کردہ پنبنتو نہا بالمقابل در سینہ خود گلولہ خورده اند دور نمیر ویم
می بینیم کہ با کستان با خون چہ اشخاص تا سیس گردیدہ و اقتدار را
(از انگلستان) چہ کس بدست آورد... ولی این کدام انصاف است
کہ قوم موجود باشد ، و طن موجود باشد ، تاریخ موجود باشد ، تہذیب
موجود باشد و لی نام و جو ندداشتہ باشد این کار انجام خواہد
یافت ہر گاہ ما با ہم متحد شویم خود را بہ خیر و شر قوم آگاہ
سازیم و بہ غم ہمدیگر شریک گردیم و ارادہ محکم بنمائیم کہ
پنبنتو نستان را تا سیس خواہیم کرد و دولی از ما نہای پنبنتو نہارا
بر سر منزل مقصود برسانیم . »

بنیادلی ع م عبدالرحیم زی تحت عنوان یک نظر اجمالی بہ وضع
جغرافیائی و قدامت تاریخی و حالت اقتصادی افغان نستان انداختہ
نو شتہ است کہ این مملکت دارای تاریخ کهن و منابع طبیعی سرشار
بودہ و با ید ازان استفادہ های شایانی بعمل آید . او مخصوصاً بہ
معادن آهن در جبل السراج و حاجی گک انگشت گذاشتہ استدلال
کرده است کہ چو نہ و زغال در
نزدیک این معادن سراغ گردیدہ و
بنابران کار تا سیس فاسر یکہ
فولاد در افغان نستان مشکل نیست .
مقالہ بنیادلی عبدالرحیم زی در
شمارہ آیندہ دوام خواہد کرد . او
ہمچنین طی مقالہ دیگری کہ
دوازدهمین سلسلہ ہمین مقالات
او میباشد در بارہ خدمات خود
تشریحات دادہ است کہ برای
ما مورین ایفا نمودہ است .

دا کتر خوک طی مقالہ تحت
عنوان نقش فرا موش نا پذیر
جوانان و منورین مترقی در حیات
سیاسی و اجتماعی از تجارب ترکیہ
مخصوصاً از زمان کمال اتاترک
یاد آور شدہ نو شتہ است « براستی
کہ پھرہ داران استقلال قوم ، یعنی
جوانان ترکی این بازیہای غیرملی
را دیگر نمیتوانند متحمل شوند...
نو یستندہ خاطر نشان کردہ
آتشیکہ در بین جوانان ترکی برای
احقاق حقوق ملت در گرفتہ در تمام
کشور های در حال رشد در طغیان
است . »

جریدہ افغان ملت طی مقالہ بقلم
نایاب تحت عنوان انتقام خونین از
حادثہ ای حکایت کردہ است کہ
بقول نو یستندہ یکماہ قبل در پوہنخی
ادبیات در شعبہ ژورنالیزم آن
بو قوع پیوست .
وی حاکیست کہ متعروض از
جملہ « رای دہندگان موافق » در
انتخابات ریاست آن پوہنخی
بودہ اما شخصیکہ مجروح شدہ و در
شفابخانہ علی آباد جرح پیشانی وی
کوک خوردہ در انتخابات مذکور
رای مخالف دادہ بود .

نویسنندہ گفتہ است طوریکہ
معلوم شدہ است این تصادم
« شکل طرح شدہ » داشت زیر
شخصیکہ جراحات وارد کردہ
احساس مصئونیت مینماید .
دو سبہ تحقیقات وی از مدیریت
تفتیش پوہنتون بریاست پوہنخی
ادبیات خواستہ شدہ تحقیق
موضوع بسیار بطی بودہ و سعی
میشود کہ « قضیہ سطحی و بہ نفع
شخص متعروض تمام شود . »

بنیادلی نا یاب این عمل را یک
« جنایت » خواندہ تقاضا کردہ کہ
بہ مرتکبان آن موقع دادہ نشود
تا « ازین پیش تنہا با دادن یک رای
موافق خون دیگران را بریزد و در
نتیجہ در غندی خیر و یا بہ عبادہ
دیگر در چوکی ہم تکیہ بزند . » او
تقاضا کردہ تا موضوع جدآ تحقیق
شود .